

در گفت‌وگوی اختصاصی «جام جم» با جواد افشار، کارگردان فیلم «صیاد» در چهل‌وسومین جشنواره فجر مطرح شد

داستان امیر دلیر

کارگردان فیلم صیاد می‌گوید خلق حماسه شهید صیاد شیرازی در کردستان و دفاع او از تمامیت ارضی ایران یکی از دلایل ساخت این فیلم بود



نسرین بختیاری گروه فرهنگ و هنر

جواد افشار را بیشتر به سریال سازی برای تلویزیون با سریال هایی چون «گاندو»، «آنام»، «برادر»، «کیمیا»، «مادرانه» و... می‌شناسیم که بعضی از سریال‌هایش مانند کیمیا و جابر این حیان در مقاطع زمانی مختلف ادامه پیدا کرده و جزو تولیدات بزرگ محسوب می‌شود که تاریخ زندگی یک شخص را روایت می‌کند. تمام اینها نشان می‌دهد که افشار با فیلم‌های تاریخی و فرآیند تولید آنها آشناست. حالا افشار در دومین تجربه فیلمسازی‌اش بعد از فیلمی در زائر ترس به نام «کلبه» سراغ ساخت فیلمی با محوریت زندگی شهید صیاد شیرازی به تهیه‌کنندگی محمدرضا شفیعی رفته است. صیاد شیرازی از جمله شهدای ترور است که با وجود گذشت زمان زیادی از حماسه آفرینی‌اش در جنگ تحمیلی اما ماجرای زندگی او برای اولین بار است که به شکل فیلم داستانی درآمده است. این موضوع نشان می‌دهد هنوز داستان‌های ناگفته‌ای از قهرمانان ایران وجود دارد که ظرفیت تصویری شدن دارند و

نیایدان از غافل شویم. این فیلم روایتگر مقطعی از زندگی شهید صیاد شیرازی بین سال‌های ۱۳۵۸ تا اوایل ۱۳۶۱ است و به رویدادهای اوایل انقلاب یعنی قبل از شروع جنگ تحمیلی و پس از آغاز جنگ برمی‌گردد. این فیلم در چهل و سومین جشنواره فیلم فجر در اولین سانس سینمای اصحاب رسانه قرار گرفته و تب و تاب رساندن آن به جشنواره نیز بیش از هر فیلم دیگری بوده است. به بهانه حضور این فیلم در جشنواره فجر با جواد افشار گفت‌وگو کردیم که در ادامه از نظر می‌گذرانید:

چه موضوع یا مسئله‌ای موجب شد از بین بسیاری از شهدای بعد از جنگ (شهدای ترور) به زندگی صیاد شیرازی بپردازید؟

همیشه دلم می‌خواست برای قهرمانان، بزرگان، فرماندهان و اسطوره‌های ارتش فیلم بسازم و به همین دلیل صیاد شیرازی خیلی برایم قابل احترام بود. یکی از دلایلی هم این بود که سال‌ها قبل در دفتر محمدرضا شفیعی-تهیه‌کننده فیلم- صحبت‌هایی درباره ساخت سریالی از شهید داشتم. همچنین سیدرحیم موسوی، فرمانده ارتش چند بار از من

خواست برای فرماندهان وقهرمانان ارتش کار ارزشمند و خوبی بسازیم. خودم هم دوست داشتم در این عرصه کاری انجام بدهم. دکتر مهدی صیاد از دوستان قدیمی‌ام هم به من کمک کرد. در مجموع به دلیل ویژگی‌های شخصیتی از جمله جرات، جسارت، شجاعت و رشادت این شهید در مقاطع مختلف دفاع‌مقدس و حتی قبل از انقلاب، او را انتخاب کردم. ایشان اوایل انقلاب حماسه‌ای در کردستان خلق کردند و موجب حفظ تمامیت ارضی و مانع تجزیه ایران شدند و این برایم قابل احترام است. فکر می‌کنم با ساخت این فیلم بتوانیم بخش کوچکی از حق مطلب را ادا کنیم تا مردم و مخاطبان نسل امروز ما از او یاد کنند.

فیلم چه مقطعی از زندگی شهید صیاد شیرازی را محور بیان داستانی خود قرار می‌دهد؟

ما فرازی از زندگی صیاد شیرازی را بین سال‌های ۱۳۵۸ تا اوایل ۱۳۶۱ روایت کردیم که به رویدادهای اوایل انقلاب یعنی قبل از شروع جنگ تحمیلی و مقدمات آن برمی‌گردد. بنابراین در آن مقطع زمانی صیاد شیرازی نقش مهم و بسزایی در انسجام نیروهای مردمی در کنار ارتش به خصوص سپاه و بسیج داشته است. متأسفانه بنی‌صدر و شخصیت‌های اطراف او مخالف حضور سپاه و بسیج در کنار ارتش کلاسیک بودند و این تضاد فکری و تاکتیکی موجب اتفاقاتی می‌شود که ما در قصه هم به آن می‌پردازیم. در واقع می‌توانیم بگوییم تلاش مضاعف صیاد برای ایجاد وحدت میان نیروهای مسلح ایران اعم از ارتش، سپاه و بسیج باعث می‌شود ما به موفقیت‌هایی در اوایل جنگ برسیم که مانع از تجزیه ایران می‌شد. بنابراین می‌توانیم بگوییم که صیاد یکی از مردان راسخی بود که برای جلوگیری از تجزیه کردستان رشادت‌های زیادی نشان داد و از جان مایه گذاشت و مردانه مقابل دیدگاه‌های مخالف فرماندهی کل قوا که ریاست جمهوری آن زمان یعنی بنی‌صدر عهده‌دار بود ایستاد، چون می‌دانست اشتباه می‌کنند. به همین علت سروسزنی عقب‌نشینی نکرد و به تعبیری تنها، راسخ و مقاوم برای حفظ کشور تلاش کرد. او در میدان حاضر بود و از نزدیک تحلیل و بررسی می‌کرد و به این نتیجه رسیده بود که باید مقابل تجزیه‌طلبان ضدانقلاب محکم و استوار بایستد.

با توجه به محدودیت‌هایی که ارتش برای جمع‌آوری آرشیو تصاویر در زمان جنگ داشته، چه چالش‌هایی برای کامل شدن مراحل تحقیق و پژوهش داشتید و از چه کتاب‌ها یا منابع دیداری کمک گرفتید؟

البته این‌طور نیست که منابع ارتش کم باشد و اتفاقا منابع تحقیقاتی بسیار خوب و منسجم بوده که این بخش بیشتر مرتبط با فیلم‌نامه‌نویس است.

همکاری با علی سربابی به عنوان بازیگری که بیشتر در عرصه تئاتر فعال بوده و چگونگی نزدیکی به نقش شهید صیاد شیرازی چطور اتفاق افتاد؟

وقتی دوستانی علی سربابی را برای ایفای این نقش معرفی کردند، خیلی علاقه‌مند شدم و در جلسات متعددی با هم گفت‌وگو داشتیم و به برداشت اولیه‌ای از اجرای نقش رسیدیم.

بعد از این‌که علی به نقش اشراف پیدا کرد و متوجه ویژگی‌های شخصیت این شهید شد، تازه اتفاقات خوب این پروژه رقم خورد و بسیار همراه ما بود. در واقع نوعی احساس درونی در علی سربابی به وجود آمده بود که پازل‌های ما را کامل می‌کرد. او برای رسیدن به این نقش تلاش، تحقیق، تمرین و ممارست زیادی به خرج داد و امیدوارم برکاتش در آینده برایش پدیدار شود.

چه چالش‌ها یا سختی‌هایی در این پروژه برای شما با توجه به جنگی بودن گونه فیلم به وجود آمد و چطور این سختی‌ها را پشت سر گذاشتید؟

کسانی که در کار ساخت و تولید فیلم‌های جنگی در کشورمان هستند، کم و بیش به مرارت‌ها و سختی‌های آن آگاه هستند. بخشی از این مرارت‌ها را باید با تدبیر حل کرد و بخشی را هم با تحمل و البته عقب‌نشینی از خواسته‌های ایده‌آل. با توجه به تجربیات گوناگونی که در سال‌های کاری در این زمینه داشتم، سختی‌ها تا حدودی برایم قابل پیش‌بینی بود، اما باید از فرماندهی ارتش تا بقیه دوستان تشکر کنم که از صمیم قلب با ما همراه بودند و آنچه در توان‌شان بود در اختیار ما قرار دادند. فکر می‌کنم نسبت به دیگر فیلم‌های جنگی، شرایط تولید فیلم ما قابل قبول بود و علت اصلی آن محبوبیت خود شهید صیاد

شیرازی نزد ارتشیان بود که بی‌نهایت قهرمان خودشان را دوست دارند و با عشق پای کارآمدند.

از آنجا که فیلم شما به جز شهید صیاد شیرازی به بخشی از تاریخ معاصر هم می‌پردازد، چه چالش‌هایی برای دراماتیزه‌کردن داستان و انطباق آن با واقعیت تاریخی داشتید؟ به هرحال، ما سعی کردیم بر اساس مستندات تاریخی پیش برویم و حتی اگر موضوعاتی چالش برانگیز بود، جزو بخش‌هایی بوده که باید در فیلم در رابطه با آنها گفت‌وگو صورت می‌گرفت که آقای تراب‌نژاد به خوبی از پس این بخش برآمدند و به چالش‌ها پاسخ دادند.

قبل از ساخت «صیاد» چه دیدگاهی نسبت به این شهید

داشتید و بعد از آن به چه جهان‌بینی از او دست یافتید؟

همیشه برایم در مورد علت ترور بزرگان کشورمان، سؤال پیش می‌آید چرا یک فرد نظامی مثل صیاد شیرازی که همواره در میدان جنگ بوده و این رخداد را از نزدیک لمس کرده، ترور شده است. این نشانه ضعف و زبونی دشمنان بزرگان در میدان جنگ بوده است. بنابراین وقتی در میدان جنگ نتوانستند بر صیاد شیرازی غلبه کنند، مذبح‌خانه و ناجوانمردانه در شهر و مقابل دیدگان فرزند و همسرش از او انتقام می‌گیرند. این نشانه برتری، قهرمانی و اسطوره بودن شخصیت صیاد شیرازی است. علاوه بر این، صیاد دغدغه‌ای داشته که برایم جالب است و آن این بوده که همواره اگر اطرافیان‌ش در میدان جنگ کشته یا زخمی می‌شدند و گلوله‌ها و ترکش‌هایی از کنارش عبور می‌کرد، این سؤال در ذهنش بوده که خداوند چه زمانی شهادت را قسمتش می‌کند. به عبارتی، این فکر از ذهنش می‌گذشته که اگر این گلوله‌ها سمتش نمی‌آید به این دلیل است که خداوند مأموریت یا کاری برایش درنظر گرفته و به این دلیل حفظ شده است.

بعضی معتقدند قهرمان در سینما وجود ندارد و قهرمان همین مردم معمولی هستند و بعضی هم به عکس این موضوع باور دارند. نگاه شما به این موضوع چیست؟

معتقدم تمام‌کسانی که در آن سال‌ها در دفاع‌مقدس نقش ایفا کردند، قهرمان هستند؛ چه در سطح امرا و فرماندهان و چه در سطح نیروها و سربازان پیاده و فرمانبر. بنابراین قهرمان کسی است که برای حفظ تمامیت ارضی کشور و ارزش‌های انقلاب و وطن‌جنگیده و حماسه خلق کرده‌واز جان مایه‌گذاشته‌است. سطح، مقام و درجه‌ایمن قهرمانان در مراحل بعدی قرار می‌گیرد که من نیز معتقدم این موضوعات نباید چندان از هم تفکیک شود و بخواهیم به شکل ویژه دسته‌بندی کنیم. به هرحال قهرمان، قهرمان است؛ چه یک امیر ارتش و چه یک سرباز صفر باشد. هرکسی برای این میهن جانفشانی و حماسه خلق کرده قهرمان محسوب می‌شود. در پایان از تمام همکارانم و امرای ارتش در تهران و کرمانشاه و قراگاه غرب که در ساخت این فیلم کنارم بودند، تشکر می‌کنم.

